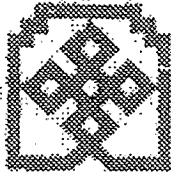




۱۱۷۹۹



دانشگاه تربیت معلّم سبزوار
دانشکده ی ادبیّات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیّات فارسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیّات فارسی

نگرش خاصّ عین القضاة همدانی به عشق

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عباس محمدیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر احمد خواجه ایم

پژوهشگر:

محمدعلی شرافتی

تأیید شده در ۸۵

۱۱۲۷۹۹

کتابخانه دانشگاه سبزوار
تاسیس ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۱ / ۸



دانشگاه تربیت معلّم سبزوار
دانشکده ی ادبیّات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیّات فارسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبان و ادبیّات فارسی

نگرش خاصّ عین القضاة همدانی به عشق

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عباس محمدیان

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر احمد خواجه ایم

پژوهشگر:

محمدعلی شرافتی



باسمه تعالی

شماره:
تاریخ:
پست:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیأت داوران پایان نامه کارشناسی ارشد آقای/خانم محمد علی سرافقی
دانشجویی ۸۲۴۱۳۱۰۲ در رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش
تحت عنوان *نقش خاص عین القضاة همدانی به عسوق*
در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۴ با نمره به عدد ۱۸٫۵ حروف هجده و نیم را
درجه عالی ارزیابی نمود.

ردیف	مشخصات هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	امضاء
۱	استاد راهنما	آقای دکتر سید محمد...	استاد دایر	
۲	استاد مشاور	... دکتر...
۳	استاد ناظر	... دکتر...
۴	استاد داور	... دکتر...
۵	استاد ناظر	... دکتر...

تذکره: این برگه پس از تکمیل توسط هیأت داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

پیش کش به :

- ❖ روح بلند پدرم که اولین معلم من بود.
- ❖ مادرم ، فرشته مهر، که خزان زندگیم را بعد از پدر، با شکوفه های محبت خویش به بهار مبدل کرد .
- ❖ همسرم که صبورانه همه ی نابسامانی های روزگار تحصیل و تحقیق را تحمل کرد.
- ❖ به فرزندانم ، حمید و زهرا که سرسبزی و سعادت آنان امید زندگی من است.

فرم چکیده ی پایان نامه ی تحصیلی دوره ی تحصیلات تکمیلی دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو : شرافتی نام : محمد علی

استاد راهنما : جناب آقای دکتر عباس محمدیان استاد مشاور : جناب آقای دکتر احمد خواجه ایم

دانشکده : ادبیات و علوم انسانی رشته : زبان و ادبیات فارسی

مقطع : کارشناسی ارشد

تاریخ دفاع : تعداد صفحات :

عنوان پایان نامه : نگرش خاص عین القضاة همدانی به عشق

کلید واژه ها : عشق-عرفان-عاشق-معشوق-عین القضاة

چکیده

«عشق»، از بنیادی ترین ارکان جهان بینی عرفانی است و با وجود این که عرفا و صوفیه در طی قرون متمادی، حقیقت عشق را به اندازه ی توان و سیر و سلوک خویش دریافته اند، از توصیف آن در مانده اند و عقل و زبان و بیان و قلم را به شبمی مانند کرده اند که بر بحر رقمی می کشد و یا خری که در گل فرو رفته و نابینایی که قصد توصیف خورشید را داشته باشد. اگر چه تقریباً تمامی صوفیه و عرفا به زبان ها و بیان های گوناگون از عشق سخن گفته و در حد فهم مخاطب، جلوه های از آن را آشکار کرده اند؛ اما در این میان، عین القضاة همدانی (۵۲۵-۴۹۲) ه.ق. با درد و سوز و گدازی دو چندان، در آثار خویش از عشق سخن گفته و مطالب سودمندی بیان داشته که در خور توجه است.

نگارنده در این پایان نامه، همه جا کوشیده تا دیدگاه عین القضاة را در مورد «عشق» با صوفیان و عارفان بزرگ ادب فارسی، مقایسه کرده، نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه او را به دیگران بنمایاند و در پایان، خواننده ی محترم را به نگرش خاص او به «عشق» آشنا کند. به همین منظور، آثار متعددی از عرفا و صوفیه مورد کاوش قرار گرفته و به اقتضای سخن شواهد گوناگونی ارایه گردیده است.

در بخش پایانی نیز، خلاصه ای استنتاج گونه، از مباحث کلی پایان نامه درج گردیده؛ که در یک نگاه کلی، دیدگاه خاص عین القضاة را نسبت به عشق تا حدی آشکار می سازد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمات
فصل اول : مختصری در مورد عین القضاة	
۱۸	۱-نگاهی به اوضاع علمی، اجتماعی و مذهبی عصر عین القضاة
۱۸	۱-۱-اوضاع اجتماعی
۱۹	۱-۲-اوضاع عقاید و مذاهب
۲۰	۱-۳-اوضاع علوم
۲۰	۲-زندگی عین القضاة
۲۲	۳-مقام علمی عین القضاة
۲۵	۴-استادان عین القضاة
۲۵	۴-۱-امام محمد غزالی
۲۶	۴-۲-احمد غزالی
۲۷	۴-۳-برکه‌ی همدانی
۲۹	۴-۴-فتحہ
۳۰	۴-۵-باباطاهر
۳۰	۵-مریدان عین القضاة
۳۰	۵-۱-کامل الدوله
۳۰	۵-۲-عزیزالدین مستوفی
۳۱	۵-۳-امام ضیاء الدین

صفحه	عنوان
۳۱	۴-۵-امام سعدالدین
۳۱	۶-دشمنان عین القضاة
۳۱	۱-۶-خواجه نظام الملک
۳۲	۲-۶-ابوالقاسم درگزینی
۳۲	۷-آثار عین القضاة
۳۴	۱-۷-زبده الحقایق
۳۴	۲-۷-تمهیدات
۳۵	۳-۷-مکتوبات (نامه‌ها)
۳۵	۴-۷-رساله‌ی یزدان شناخت
۳۶	۵-۷-رساله‌ی شکوی الغریب
۳۶	۶-۷-رساله‌ی لوایح
۳۷	۷-۷-رساله‌ی جمالی
۳۷	۸-قتل عین القضاة
۳۸	۱-۸-عوامل قتل عین القضاة از دیدگاه محققان
۳۹	۲-۸-موارد اتهام به نقل از خود عین القضاة
۴۰	۹-سبک عین القضاة
فصل دوم : عشق	
۴۲	۱-واژه عشق و اشتقاق آن
۴۲	۲-تعریف عشق
۴۶	۳-جایگاه عشق
۴۸	۴-ازلی بودن عشق
۵۱	۵-عشق و زیبایی
۵۵	۶-انواع عشق
۵۹	۱-عشق عام
۶۵	۲-عشق خاص
۶۸	۳-عشق حقیقی
۷۴	۴-عشق مجازی
۷۶	۱-عشق بر رنگ
۷۹	۲-عشق پاک از رنگ
۸۳	۷-رابطه‌ی عشق مجازی با عشق حقیقی
۸۵	۸-درجات عشق
۹۱	۹-عقل و عشق
۱۰۰	۱۰-علم و عشق
۱۰۴	۱۱-عشق و دین

- ۱-عشق از نگاه قرآن ۱۰۵
 ۲-عشق در روایات ۱۱۲

فصل سوم : صفات عشق

- ۱-توصیف ناپذیری ۱۱۹
 ۲-کمال بخشی ۱۲۵
 ۳-غیرت ۱۲۹
 ۴-طهارت بخشی ۱۳۲
 ۵-حیات بخشی ۱۳۴
 ۶-دردمندی ۱۴۰
 ۷-سوزانندگی ۱۴۵
 ۸-راز نمایی ۱۴۸

فصل چهارم : صفات عاشق

- ۱-جان بازی ۱۵۴
 ۲-بلاکشی ۱۵۹
 ۳-رضامندی ۱۶۴
 ۴-وحدت نگری ۱۷۲
 ۵-غیرت ۱۷۸
 ۶-ملامت کشی ۱۸۳
 ۷-فقر ۱۸۷
 ۸-فنا ۱۹۲

فصل پنجم : صفات معشوق

- ۱-استغنا ۲۰۱
 ۲-جمال ۲۰۷
 ۳-تکبر ۲۱۳
 ۴-ناز ۲۱۶
 ۵-غمزه و کرشمه ۲۲۰
 ۶-عتاب ۲۲۵
 ۷-جفا ۲۳۰
 ۸-غیرت ۲۳۲
 -استنتاج ۲۳۷
 منابع ۲۳۹

علائم اختصاری

ر.ک : رجوع کنید

ه.ق : هجری قمری

ه.ش : هجری شمسی

صص : صفحات

ب : بیت

د : دفتر

م : متوفی

ج : جلد

ص : صفحه

پیشگفتار

انسان ذاتاً موجودی رازجو و کاوشگر است و دایم در تلاش است تا به رازهای پس پرده جهان خلقت آگاه شود و گره معمای آفرینش را باز کند و خود و جهان را عمیقاً بشناسد. از طرف دیگر، وی به دنبال آن است تا خویش را به کمال برساند و به حیات جاودانی دست یابد. برای رسیدن به این آرزو، عده‌ای به عقل و گروهی به علم و گروهی به شریعت روی آورده‌اند. در این میان، عرفا ادعا می‌کنند؛ که با توجه ژرف به دل خویش و اندیشه و سیر در آفرینش به حقیقتی چون «عشق» دست یافته‌اند؛ که می‌توانند به وسیله‌ی آن به تمامی رازهای مگویی که دیگران از حل آن عاجزند، دست یابند. آنان عشق را جوهر وجود انسان می‌دانند؛ که با آب و گل او عجین شده است و به صورت فطری در کانون دل مکنون است.

دل عاشق محلّ تجلی حضرت حق است. بنابراین، اگر عاشق دل خود را در مقابل قلم ... قرار دهد، حق به دو دست جمال و جلال خویش رازهای پوشیده را بر آن می‌نویسد و وی می‌تواند بدون واسطه آن‌ها را از دفتر دل خویش بخواند؛ اما اگر چنان چه دل عاشق در مقابله‌ی قلم ... قرار نگیرد؛ می‌تواند مطلوب خویش را از دلی که در مقابل قلم ... قرار گرفته، (یعنی؛ با واسطه) دریافت نماید.

در نگاه آنان، عشق برخاسته از دو جایگاه است: عشقی مربوط به دل است و عشقی مربوط به نفس. عشق مربوط به دل، ممدوح و عشق مربوط به نفس، مذموم است و مترادف با هوس و شهوت.

عرفا در یک تقسیم‌بندی کلی، عشق را به سه دسته تقسیم می‌کنند: ۱-عشق بنده به خدا ۲-عشق خدا به بنده ۳-عشق بنده به بنده، از آن جهت که پلی ارتباطی بین عاشق و معشوق است. آنان عشق انسان را به دو دسته‌ی مجازی و حقیقی تقسیم می‌کنند و عشق مجازی را نیز به دو شاخه‌ی بر رنگ و پاک از رنگ. عشق بر رنگ، مذموم و عشق پاک از رنگ ممدوح و پسندیده است. در عشق مجازی بر رنگ انگیزه‌ی تملک موج می‌زند؛ اما عشق پاک از رنگ از شایبه‌ی تملک عاری است.

از نظر عارفان عاشق مسلک، عشق مجازی پلی برای رسیدن به عشق حقیقی است؛ چرا که تا عاشق در عشق مجازی ورزیده نشود، زمینه‌ی پذیرش عشق حقیقی در او فراهم نمی‌شود.

عشق در نگاه مبتدیان، کاری بس سهل و آسان است؛ اما هر چه عاشق بیشتر در عشق فرو می‌رود، هیبت و عظمت آن عاشق را بیشتر فرا می‌گیرد؛ به طوری که از راه رفته پشیمان می‌شود؛ اما راه برگشتی هم برای او وجود ندارد. ناچار است در بیابان بی‌پایان عشق و در وادی‌های حیرت در حیرت آن گام بردارد.

عشق و وادی‌های آن، نه تنها در نگاه مبتدیان، که در نگاه عارفان حقیقی هم قابل توصیف نیست. زبان از بیان آن و عقل از دریافت آن عاجز است. به اعتقاد آنان، عشق عین حیات و سبب پیدایش موجودات است. سبب کمال نهایی موجودات، بخصوص انسان نیز چیزی جز عشق نیست. عشق به باور آنان غیور است. خود را در رگ و پی انسان عاشق جا می‌کند تا او را از نگرش به اغیار باز دارد و نظر او را به خویش و معشوق معطوف دارد. آنان عشق را از مطهرات می‌شمارند؛ و آن را به آتشی مانند می‌کنند که وقتی در وجود عاشق در می‌گیرد تمامی پلیدی‌های باطن او را می‌سوزاند و به رنگ خویش در می‌آورد. عشق عاشق را به زندگی جاوید رهنمون می‌کند، به گونه‌ای که عاشقان حیات را در عشق و ممت را بی‌عشق می‌دانند. عشق در نگاه عرفا توأم با درد و محنت است. اصلی‌ترین و کاراترین ویژگی آن دردمندی است. این درد، زمانی به پایان می‌رسد؛ که عاشق به معشوق زنده شود. از این جاست که بسیاری از عرفا عشق را از ابتدا تا انتها سوزنده توصیف کرده‌اند؛ چنان که عین‌القضات، آغاز، میانه و پایان آن را آتش دانسته است. از دیگر صفات عشق رازنمایی است. اسرار نهفته‌ای که همگان از دریافت آن عاجزند؛ او به سر انگشت دانایی خویش قفل بسته‌ی آن‌ها را گشوده است. عشقی با این اوصاف، عاشقی می‌خواهد از جان گذشته، که جان را نعل کفشی تصوّر کند؛ که باید از آن عاری شود؛ تا بتواند در وادی مقدّس عشق قدم بگذارد و جان را حایل و مانعی

بین خویش و معشوق به حساب آورد. عاشقان حقیقی، جان‌بازی را دلیل صداقت و راستی عاشق می‌شمارند. آنان جان‌بازی را جان‌یابی می‌دانند و آن را به تمنا از معشوق می‌خواهند. ویژگی بارز دیگر چنین عاشقی بلاکشی است. عاشق باید در عشق به اندازه‌ای بلاکش باشد که عین بلا شود. بلا تحفه‌ی با ارزش معشوق و تحمل آن شرط ترقی عاشق است. عاشقی که در عشق پخته می‌شود، جفا و وفای معشوق در نظرگاه او جلوه‌ای یکسان دارد. به قضای معشوق رضا می‌دهد و تفاوتی بین رحمت و لعنت او قایل نمی‌شود. کسی که عشق در وجود او جا کرده است، به هر چه می‌نگرد معشوق می‌بیند و عشق. وحدت نگر می‌شود و این وحدت‌نگری به قدری در او جلوه‌گر می‌شود که ادیان مختلف را یکی دانسته، کفر و اسلام هم در نگاه او اختلافی ندارند. عشق، به قدری عاشق را فقیر و نیازمند معشوق می‌کند که دایم سر بر آستان او می‌ساید. فقر سبب می‌شود تا عاشق از ماسوی... جدا شود و در همه حال خود را نیازمند بی‌نیاز مطلق ببیند. وی در فقر خویش تا آن جا پیش می‌رود که فهای در معشوق می‌شود. این فنا سبب بقای او می‌شود. عاشق با این همه اوصاف برخاسته از عجز، در برابر معشوقی قرار دارد که در کمال 'ستغنا و بی‌نیازی است. او از سر استغنایی که دارد- هر چند پنهانی توجهی به عاشق دل سوخته دارد- هیچ‌گاه او را به امید وصالی دل خوش نکرده است؛ چرا که او در نهایت کمال است و عاشق در نهایت فقر. عاشق نیز با معشوق جمیلی روبروست که جمال او قابل توصیف نیست؛ چرا که هر لحظه به گونه‌ای خاص جلوه‌گری می‌کند. هر کس جلوه‌ای از جمال او را دریافت کرده است، بر سر آن جلوه جان باخته است. تجلی‌های او گاه در آینه‌ی صورت، گاه در آینه‌ی معنی و گاه از ورای صورت و معنی است. معشوق کبریایی و تکبری دارد، که کسی یارای توصیف تکبر او را ندارد.

همین تکبر باعث شده است تا به عاشق بی‌چاره‌ی خویش توجهی نداشته باشد. او سراپا ناز

است و عاشق سراپا نیاز و ناز او شعله‌ی شوق عاشقان را برافروخته است. معشوق نیز غیور است و

همواره مترصد است؛ تا عاشق به غیر او توجه نکند. از این روی، عاشقانی را که به غیر او توجه کنند، به تازیانه‌ی عتاب تنبیه می‌کند...

سال‌ها بود که واژه‌ی «عشق» و چیستی آن نگارنده را به خویش مشغول کرده بود؛ تا سرانجام زمان موعود فرا رسید و این پایان‌نامه، زمینه‌ای فراهم کرد؛ تا جستجو و تورقی در آثار عاشقان حقیقی، در خصوص نگرش آنان به این واژه، بخصوص عین‌القضات همدانی، این عاشق دل‌سوخته و خاکستر برباد داده، داشته باشد. به این وسیله، هم به خواسته‌ی دل خویش نایل شود و هم بتواند به خوانندگان عزیز از رهگذر مطالعه‌ی این ناچیز، تحفه‌ای ناقابل پیشکش نماید.

مقدمات

۱- تعریف موضوع تحقیق

عشق در عرفان، پلی برای رسیدن به حق است، این نوع از عشق، به زعم عرفا در بیان نمی‌آید؛ اما به هر حال آن را بزرگ‌ترین راز حیات و سر بقای دنیا می‌دانند. عرفان رابطه‌ی بین انسان و خدا و جهان را بر مبنای عشق می‌داند.

۲- تعیین و تعریف اصطلاحات کلیدی موضوع تحقیق

۱- عشق: رابطه و پیوند حقیقی انسان و خداست؛ که معمولاً به بیان در نمی‌آید، توصیف نمی‌شود، بلکه ذوقی و چشیدنی است. عشق مهم‌ترین رکن طریقت است و این مقام را تنها انسان کامل که مراتب ترقی و تکامل را پیموده درک می‌کند.

۲- عرفان: علمی است از علوم الهی که موضوع شناخت آن حق و اسماء و صفات اوست. عرفان و شناسایی حق به دو طریق میسر است: یکی به طریق استدلال از اثر به مؤثر و از فعل به صفت و از صفات به ذات. این طریق مخصوص علما است. دوم به طریق تصفیه‌ی باطن و تخلیه‌ی سر از غیر و تخلیه‌ی روح، و این مخصوص انبیاء و اولیا و عرفا است.

۳- عاشق: جوینده‌ی حق-تعالی-را گویند؛ که با وجود طلب و جدّ تمام غیر محبوب حقیقی خود کسی را نخواهد و نجوید.

۴- معشوق: معشوق حق-تعالی-را گویند؛ از آن جهت که مستحق دوستی از جمیع وجوه اوست که از جلوات انوار وجودی‌اش تمام موجودات حیران و سرگردانند.

۵- عین‌القضات: همدانی، ابوالمعالی عبدا... بن محمد بن علی میانجی همدانی، از بزرگان مشایخ صوفیه و دانشمندان ربع اول قرن ششم هجری (و.همدان ۴۹۲ ه.ق. مقت-۵۲۵ ه.ق) وی

شافعی مذهب و در طریقت شاگرد احمد غزالی بود و از محضر شیخ برکه‌ی همدانی هم استفاده کرده است.

۳- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

شاید بتوان گفت مهم‌ترین اصل فکری در عرفان عشق است. بنابراین، پرداختن به آن از اهمیت بالایی در پژوهش‌های عرفانی برخوردار است. کاربرد این پژوهش، در تبیین اصول فکری عین‌القضات می‌تواند نوسان این مفهوم را در کل آثار عین‌القضات آشکار و به تبع آن، تأثیر آرای او را بر کل آثار عرفانی بیان نماید.

۴- هدف‌های کلی تحقیق

از آن‌جا که شاکله‌ی فکری عین‌القضات و نگرش او به هستی و خود بر مبنای نگاهی عاشقانه است، نگارنده در این پژوهش بر آن است؛ تا به تبیین شاکله‌ی فکری عین‌القضات و نوسان این مفهوم در آثار او، کلاً به نگاه خاص او به عشق بپردازد تا هم به تکامل این مفهوم در آثار عین‌القضات نسبت به آثار پیشین اشاره نماید و هم تأثیر گذاری آرای او را بر عرفای بعد از وی، بیان کند.

۵- پرسش‌های اساسی تحقیق

۱- عشق در آثار عین‌القضات چه مرتبه و جایگاهی دارد؟

۲- نوسان مفهوم عشق در آثار عین‌القضات به چه صورت است؟

۳- عین‌القضات نسبت به آثار پیشین خود چه تکاملی به جایگاه عشق داده است؟

۴- عین‌القضات چه تأثیری بر عرفای بعد از خود گذاشته است؟

روش تحقیق در پژوهش حاضر کل به جزء است. به این معنا که پژوهشگر برای رسیدن به نتایج

کلی پایان تحقیق، جزئیات آثار عین‌القضات و دیگر عرفا را مورد بررسی دقیق قرار داد و آن

استنتاج‌های کلی را اخذ نمود. این فرایند، در مراحل زیر صورت پذیرفت:

۱- مطالعه و یادداشت برداری درباره‌ی مبانی موضوع تحقیق:

پژوهشگر، در آغاز به مطالعه‌ی همه‌جانبه‌ی زندگی و عقاید عین‌القضات پرداخته و مطالبی را

در این زمینه گردآوری کرده است. این مرحله فصل نخست پایان‌نامه را تشکیل می‌دهد.

۲- مطالعه‌ی دقیق آثار عین‌القضات و مشاهیر عرفا و صوفیّه و یادداشت برداری از مطالب مرتبط

با موضوع پایان‌نامه: بدین صورت که پژوهشگر هر جا مطلبی خاص به صورت مستقیم یا غیر مستقیم

در مورد مفهوم عشق دید در برگه‌ای مستقل و با عنوان خاص نوشته شد. سپس به بررسی موضوعات

مرتبط با عشق در آثار عین‌القضات، در آثار صوفیّه و عرفا از بایزید گرفته تا حاج‌ملاهادی سبزواری در

برگه‌هایی جداگانه یادداشت گردید؛ تا از یک سو تأثیرپذیری و از سوی دیگر تأثیرگذاری عین‌القضات

را آشکار نماید.

پس از مرحله‌ی مطالعه و یادداشت برداری، پژوهشگر به طبقه‌بندی انبوه فیش‌های نوشته

شده‌ی خود پرداخت و هر گروه از برگه‌ها را ذیل یک عنوان کلی طبقه‌بندی نمود. از این رهگذر،

بسیاری از برگه‌ها با موضوع تکراری حذف گردید.

پژوهشگر پس از آن به نگارش برگه‌های طبقه‌بندی شده‌ی خویش پرداخت و متن پایان‌نامه در

این مرحله نگاشته شد. پژوهشگر در خلال متن پایان‌نامه به نگرش‌های خاص عین‌القضات در پایان هر

عنوانی از موضوعات پایان‌نامه اشاره کرده است. فصل‌های عشق، صفات عشق، صفات عاشق، و صفات

معشوق متن پایان‌نامه را تشکیل می‌دهد.

پس از پایان نگارش متن اصلی پایان‌نامه، پژوهشگر به اخذ نتایجی از متن پایان‌نامه پرداخته

است که حاصل نهایی این پایان‌نامه است.

۶- تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می‌دانم تا مراتب تقدیر و تشکر خویش را از استاد ارجمند راهنمایم، جناب آقای دکتر عباس محمدیان، که با صبر، حوصله، وقار، دقت و ظرافت هر چه تمام‌تر به راهنمایی مبادرت ورزیدند و پا به پای حقیر در تکمیل این پایان نامه قدم برداشتند، ابراز نمایم. به حق صبر و بردباری و اعتقاد به وجدان کاری ایشان باعث شد تا در پنج مرحله‌ی کامل با دقتی عالمانه به این پایان نامه نگریسته شود، به گونه‌ای که حتی ریزترین نکات، با نظر موشکافانه‌ی ایشان نمود می‌یافت و بدان اشاره می‌شد. از حضرت حق برای ایشان طول عمر توأم با عزت و سربلندی و عاقبتی به خیر و نیک‌نامی آرزو می‌نمایم.

هم‌چنین از استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر احمد خواجه‌ایم، که با چهره‌ای گشاده مشورت مرا می‌پذیرفتند و با دقت و تیزبینی خویش بنده را در معرفی بهترین منابع دست اول یاری کردند و با قرائت پایان نامه، بنده را به نکات استحضانی یک پایان‌نامه‌ی خوب ارشاد فرمودند، تقدیر و تشکر می‌نمایم. برای ایشان از حضرت حق، طول عمر توأم با موفقیت و بهروزی آرزو می‌نمایم.

نیز از دوست عزیزم، جناب آقای احسان قبول و کلیه‌ی کارکنان کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی کاشمر، آقایان: مهدی رضانی، حمیدرضا ارزانی و رضا احمدی که با مساعدت همه‌جانبه‌ی خویش مرا مددکار بودند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

فصل اول : مختصری در مورد عین القضاة

نگاهی به اوضاع علمی، اجتماعی و مذهبی عصر عین القضاة

زندگی عین القضاة

مقام علمی عین القضاة

استادان عین القضاة

مریدان عین القضاة

دشمنان عین القضاة

آثار عین القضاة

قتل عین القضاة

سبک عین القضاة

۱-نگاهی به اوضاع علمی، اجتماعی و مذهبی عصر عین القضاة

یکی از مسایل مهمی که ما را در شناخت افراد کمک می‌کند، احاطه و اشراف بر تاریخ و اوضاع اجتماعی آنان است. این امر باعث می‌شود تا محقق شخصیت مورد مطالعه‌ی خود را بهتر بشناسد، به راز موفقیت و عدم توفیق او در زمینه‌های مختلف پی ببرد، جایگاه شخصیتی او را در بین اقران و هم عصرانش بیاید و به علت حبّ و بغض افراد نسبت به وی وقوف کامل پیدا کند.

از آن جا که قرن پنجم و ششم، عصر تولّد و نبوغ صوفی سوخته، کشته و بر باد داده‌ی ما، عین‌القضاة همدانی، است، مطالبی به اختصار در زمینه‌ی اوضاع اجتماعی، علمی و مذهبی این عصر ارایه می‌گردد.

۱-۱- اوضاع اجتماعی

این دوره (میانه‌ی قرن پنجم تا آغاز قرن هفتم) دوره‌ی غلبه‌ی عنصر ترک، از قبایل زرد پوست و غلامانی بود که معمولاً از میان طوایف قفقاق و ترکمان و قرلق و غیره می‌آوردند. ترکان غزنوی بساط حکومت سامانی را برچیدند، این ترکان به چند دسته تقسیم شدند و نواحی وسیعی از سند تا سواحل مدیترانه را در اختیار گرفتند. سلسله‌های ایرانی باجگزار حکومت‌های ترک شدند. امرا و سلاطین این عهد غالباً مردمی فاسد بودند و اگر چه بیشتر آنان جنگجو و فاتح بودند، لیکن، با این مزیت، نقایص اخلاقی بسیار داشتند و معمولاً مردمی بی‌رحم، شراب‌خوار، عیاش، بی‌حفاظ، سفاک و متعدّی به جان و مال مردم بودند. این امری طبیعی است، زیرا آنان بیگانگانی بودند که بر ایران تسلط یافته بودند و ایرانیان را به نظر برده می‌نگریستند. بدتر از این، این امرا کسانی بودند، که خود یک روز مملوک دیگری بودند و در خانه‌های بازرگانان و مردم عادی و یا در دستگاه وزرا و رجال سمت بندگی داشته‌اند و آن‌چه خفت و خواری دیده بودند، کینه‌ی آن را کشیدند.^۱

^۱ صفاء، ذبیح...، تاریخ ادبیات ایران، تهران، انتشارات فردوس، چاپ هشتم، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۸ و ۶۹، نقل به تلخیص